

به روشنی شکاف سیاسی و اجتماعی جامعه اوکراین را نشان می‌دهد. «ویکتور یانوکویچ» از مخالفان عضویت اوکراین در ناتو و همچنین مخالف سرسخت عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا بود و به همین دلیل سیاست خارجی اوکراین در دوره ریاست جمهوری او (۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴) به شدت به سمت روسیه بود. اما این وضعیت نیز چندان دوام نیاورد و در سال ۲۰۱۴ با یک رشته اعتراض‌های ضد دولتی که حداقل ۸۲ نفر کشته و ۱۱۰۰ نفر مجروح به دنبال داشت، «ویکتور یانوکویچ»، رئیس‌جمهور روس‌گرای اوکراین با امضای توافق نامه‌ای با مخالفان با انتخابات زود هنگام موافقت کرد، اما با نقض توافق نامه، «ویکتور یانوکویچ» با رأی مجلس از سمت ریاست جمهوری عزل شد. در حالی که روسیه این تحولات را «کودتا» می‌نامید، جهان غرب به صورت یکپارچه از آن حمایت کرد.

برخلاف موارد گذشته، برکناری رئیس‌جمهور اوکراین تنها یک انتقال قدرت و تغییر سیاست‌های داخلی و خارجی نبود و منجر به شورش و اعتراض‌های روس تبار بخش‌هایی از شرق اوکراین به ویژه در شبه جزیره کریمه و مناطق «دونتسک» و «لوهانسک» شد که با برگزاری فراندوم الحاق به روسیه در شبه جزیره کریمه و مداخله نظامی روسیه در مارس ۲۰۱۴، این شبه جزیره استراتژیک به خاک روسیه ملحق شد و مناطق «دونتسک» و «لوهانسک» نیز با حمایت سیاسی و نظامی روسیه اقدام به برگزاری فراندوم خود مختاری نمودند و عملاً از حاکمیت اوکراین جدا شدند. مجموع این شرایط بحران عمیقی را در روابط روسیه با اوکراین و جهان غرب پدید آورد که ابعاد و پیامدهای آن همچنان ادامه دارد. در شرایط ملتهب سال ۲۰۱۴، انتخابات ریاست جمهوری اوکراین در ماه می آن سال برگزار شد و «پترو پوروشنکو» منتقد روسیه و طرفدار غرب به پیروزی رسید و جهت‌گیری سیاست خارجی اوکراین بار دیگر ضد روسیه و متمایل به غرب شد. تداوم تنش و بحران بین اوکراین و روسیه نه تنها موجب تشدید احساسات ضد روسی در جامعه اوکراین شد، بلکه به واسطه ناکامی‌های سه دهه گذشته موجب نوعی سرخوردگی و ناامیدی در جامعه اوکراین نسبت به سیاستمداران و نخبگان سیاسی شد و شرایطی را پدید آورد که در عین شگفتی ناظران داخلی و بین‌المللی، «پترو پوروشنکو» در انتخابات ریاست جمهوری ۲۱ آوریل ۲۰۱۹ کم‌کم مدین معروف اوکراینی، «ولادیمیر زلینسکی» شکست خورد. با وجود این، در جهت‌گیری کلان ضد روسی و غرب‌گرایانه دولت اوکراین تغییری ایجاد نشد. به همین دلیل است که بسیاری از صاحب‌نظران یکی از دلایل روسیه برای حمله نظامی به اوکراین را فراهم ساختن سرنگونی دولت غرب‌گرا در این کشور و به قدرت رسیدن دولت همسو و متمایل به روسیه در کی‌یف می‌دانند. با چنین پیشینه‌ای و تداوم بحران و تنش بین روسیه با اوکراین و جهان غرب، در دسامبر ۲۰۲۱ (آذر ۱۴۰۰) دولت روسیه پیش‌نویس دو معاهده جدید ارائه کرد که حاوی درخواست‌هایی مبنی بر آنچه «تضمین امنیتی» می‌خواند بود، که شامل «یک تعهد قانونی الزام‌آور بر عدم پیوستن اوکراین به ناتو» و نیز «کاستن از تعداد سربازان و سخت‌افزار نظامی ناتو مستقر در شرق اروپا» می‌شد، و در صورت عدم تحقق کامل این تقاضاها «تهدید به پاسخ نظامی نامشخص» می‌کرد. ایالات متحده آمریکا و دیگر اعضای ناتو این درخواست‌ها را رد کرده و به روسیه هشدار داده‌اند اگر باز به اوکراین حمله کند، «تحریم‌های بین‌المللی» سریع و شدید در انتظار روسیه خواهد بود. متعاقب این تحولات و عدم پذیرش اعطای تضمین‌های امنیتی مورد نظر روسیه، حجم بسیار گسترده‌ای از نیرو و تجهیزات ارتش روسیه در مرزهای شرقی اوکراین، بلاروس (سمت شمال اوکراین) و دریای سیاه (سمت جنوب) مستقر شدند که در مقابل، موجب آماده‌باش نیروهای مسلح اوکراین و اعزام نیروهای ناتو به اوکراین و همچنین استقرار تجهیزات و سامانه‌های دفاع ضد موشکی ناتو در خاک این کشور و سایر کشورهای عضو ناتو در شرق اروپا شد و طی دو ماه گذشته، بحرانی را پدید آورد که به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران، مهم‌ترین «بحران امنیتی جهان غرب» پس از جنگ جهانی دوم به شمار می‌رود. هدف اصلی روسیه از اقدام پرهزینه مداخله نظامی در اوکراین، جلوگیری از عضویت اوکراین و در مرحله بعد کشورهایمانند گرجستان، سوئد و فنلاند در پیمان ناتو است. اما دامنه تهدید روسیه متوجه کشورهایمانند لهستان که عضو ناتو است، نخواهند شد و روسیه تمایلی به درگیری مستقیم نظامی با ناتو در شرق اروپا ندارد و تنهایی خواهد مانع از عضویت کشورهای دیگر و گسترش دامنه ناتو در مناطق پیرامونی روسیه شود.

تردیدی نیست که طولانی شدن و فرسایشی شدن جنگ به نفع روسیه نخواهد بود و می‌تواند با تقویت و گسترش احساسات ناسیونالیستی در اوکراین، هزینه‌های انسانی، نظامی و اقتصادی روسیه را به صورت قابل توجهی افزایش دهد. ۱